

Women's Divorce Tendency Based on Their Irrational Communication Beliefs and Individual Differentiation with the Mediating Role of Sexual Performance and Marital Frustration

Abolfazl Hosseini-Ghidari¹, Mahmoud Goudarzi^{2*}, Hamzeh Ahmadian²,
Yahya Yarahmadi²

1. Ph.D. Student of Counseling, Department of Family Counseling, Sannandaj Branch, Islamic Azad University, Sannandaj, Iran.
2. Department of Family Counseling, Sannandaj Branch, Islamic Azad University, Sannandaj, Iran.

***Corresponding Author:** Mahmoud Goudarzi, Department of Family Counseling, Sannandaj Branch, Islamic Azad University, Sannandaj, Iran.

Email: mg.sauc@iausdj.ac.ir

Received: 6 August 2020

Accepted: 5 November 2020

Published: 14 June 2022

How to cite this article:

Hosseini-Ghidari A, Goudarzi M, Ahmadian H, Yarahmadi Y. Women's Divorce Tendency Based on Their Irrational Communication Beliefs and Individual Differentiation with the Mediating Role of Sexual Performance and Marital Frustration. *Salāmat-i ijtīmāi (Community Health)*. 2022; 9(3):67-79. DOI: <http://doi.org/10.22037/ch.v9i3.31199>.

Abstract

Background and Objective: Couples' relationships are the most important factor in maintaining a family. The presence of any psychological damage in the couple's relationship increases the likelihood of separation. The aim of this study was to determine the tendency to divorce among women referring to counseling centers in Tehran based on irrational communication beliefs and individual differentiation with the mediating role of sexual function and marital frustration in 2019.

Materials and Methods: This descriptive-analytic study was conducted with participation of 240 married women who were referred to Tehran counseling centers. The sample size was 240 women who were selected by available sampling method. Data were collected through standardized questionnaires of Eidelson and Epstein's communication beliefs, individual differentiation, Rosen's sexual performance, Niehuis and Bartell's marital frustration, and Roswelt, Jonson, and Moro's divorce tendency questionnaires. Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and multiple regression tests by using SPSS software version 24.

Results: There was a weak direct relationship between irrational communication beliefs and women's divorce tendency ($r=0.21$). Increased score of women's irrational communication beliefs with a mean (SD) of 150.8 (19.7) was positively associated with divorce tendency score with a mean (SD) 51.0 (10.6), $P<0.001$. There was a weak indirect relationship between individual differentiation and women's divorce tendency ($r=-0.17$). Decreased individual differentiation score with a mean (SD) of 198.5 (35.1) was associated with divorce tendency score, $P<0.01$. There was a weak indirect relationship between sexual performance and women's divorce tendency ($r=-0.23$). Decreased sexual performance score with a mean (SD) of 71.7 (20.1) was associated with higher divorce tendency, $P<0.001$. There was a strong direct relationship between marital frustration with divorce tendency ($r=0.73$). Increased marital frustration score with a mean (SD) of 57.7 (12.2), was associated with increased divorce tendency, $P<0.001$. Hence, irrational communication beliefs and individual differentiation with the mediating role of sexual performance and marital frustration may predict 59% of women's divorce tendency.

Conclusion: The study showed that the tendency to divorce increased with increasing irrational communication beliefs and decreasing individual differentiation. In addition, the tendency to divorce increased with decreasing sexual function and increasing marital frustration.

Keywords: Divorce Tendency; Irrational Communication Beliefs; Individual Differentiation; Sexual Performance; Marital Frustration; Women.

Conflict of Interest: None of the authors has any conflict of interest to disclose.

Ethical publication statement: We confirm that we have read the Journal's position on issues involved in ethical publication and affirm that this report is consistent with those guidelines.

Ethical code: IR.MUK.REC5041.1397.

This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

گرایش به طلاق زنان براساس باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با نقش واسطه ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی

ابوالفضل حسینی قیداری^۱، محمود گودرزی^{۲*}، حمزه احمدیان^۲، یحیی یاراحمدی^۲

۱. دانشجوی دکترای مشاوره، گروه مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۲. گروه مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

* نویسنده مسئول: محمود گودرزی، گروه مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

Email: mg.sauc@iausdj.ac.ir

تاریخ دریافت: مرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: آبان ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: روابط زوجین مهم ترین عامل در حفظ و نگهداری خانواده است. وجود هرگونه آسیب روانشناختی در روابط زوجین، احتمال جدایی افزایش می یابد. این مطالعه با هدف تعیین گرایش به طلاق در میان زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران براساس باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با نقش واسطه ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی در سال ۱۳۹۸ انجام شد.

روش و مواد: روش تحقیق پیمایشی از نوع همبستگی و تحلیلی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر تهران بود که با روش نمونه گیری در دسترس ۲۴۰ نفر از آنان انتخاب شدند. جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه های استاندارد شده باورهای ارتباطی، تمایز یافتگی فردی، عملکرد جنسی زنان، سرخوردگی زناشویی و گرایش به طلاق بود. داده ها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر و با نرم افزار SPSS-24 تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها بین باورهای ارتباط غیرمنطقی و تمایل به طلاق زنان رابطه مستقیم مستقیم ضعیفی وجود داشت ($r=0/21$). افزایش نمره باورهای ارتباط غیرمنطقی زنان با میانگین (انحراف معیار) $150/8$ ($19/7$) میزان گرایش به طلاق با میانگین (انحراف معیار) 51 ($10/6$) افزایش یافت. بین تمایز فردی و تمایل به طلاق زنان رابطه غیرمستقیم ضعیفی وجود داشت ($r=-0/17$). کاهش نمره تمایز فردی با میانگین (انحراف معیار) $198/5$ ($35/1$) با نمره تمایل به طلاق همراه بود ($P<0/001$). بین عملکرد جنسی و تمایل به طلاق زنان رابطه غیرمستقیم ضعیفی وجود داشت ($r=-0/23$). کاهش نمره عملکرد جنسی با میانگین (انحراف معیار) $71/7$ ($20/1$) با تمایل به طلاق بالاتر همراه بود ($P<0/001$). بین ناامیدی زناشویی با تمایل به طلاق رابطه مستقیم قوی وجود داشت ($r=0/73$). افزایش نمره سرخوردگی زناشویی با میانگین (انحراف معیار) $57/7$ ($12/2$) با افزایش تمایل به طلاق همراه بود ($P<0/001$). از این رو، باورهای ارتباطی غیرمنطقی و تمایز فردی با نقش میانجی عملکرد جنسی و ناامیدی زناشویی ممکن است ۵۹ درصد از تمایل زنان به طلاق را پیش بینی کند.

نتیجه گیری: مطالعه نشان داد که با افزایش باورهای غیرمنطقی ارتباطی و کاهش تمایز یافتگی فردی، گرایش به طلاق افزایش یافت. علاوه بر این با کاهش عملکرد جنسی و افزایش سرخوردگی زناشویی نیز گرایش به طلاق افزایش یافت.

واژگان کلیدی: گرایش به طلاق، باورهای غیرمنطقی ارتباطی، تمایز یافتگی فردی، عملکرد جنسی، سرخوردگی زناشویی، زنان.

مقدمه

خانواده، یک نهاد اجتماعی اولیه و حیاتی است که هم سلامت فرد و هم بقای جامعه را تأمین و تضمین می کند. خانواده، امکانی را فراهم می سازد که از طریق آن این جایگزینی تحقق یابد. فرد، نه تنها از نظر جسمی و زیستی، بلکه مهم تر از آن به لحاظ عاطفی- روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد، چرا که خانواده جایگاهی است که فرد می تواند با تکمیل شخصیت خویش، برای بر عهده گرفتن نقش های اجتماعی اش در جامعه آماده گردد. نقش همسری (زن یا شوهر بودن)، از جمله نقش هایی است که پس از عمل اجتماعی ازدواج به عهده افراد گذاشته می شود. مقدمه عمل اجتماعی ازدواج و تشکیل خانواده، انتخاب و گزینش همسر است که در فرهنگ های گوناگون با اشکال مختلف صورت می گیرد. گرچه ازدواج به عنوان پیش شرط تشکیل خانواده، زمینه را برای پیوند و اتصال نسل های متوالی فراهم آورده و موجب تثبیت و انتقال فرهنگ جامعه از نسل گذشته به نسل جدید می شود، با این حال خانواده ها همواره قادر نیستند تا کنش های متقابل اجتماعی اعضایشان را به صورت پیوسته به سمت هدفی خاص هدایت نموده و انسجام گروهی خانواده را حفظ نمایند. در این وضعیت، اختلافات خانوادگی می تواند به گسست پیوند اجتماعی ازدواج و وقوع طلاق منجر شده و زمینه فاصله و گسست نسل ها را فراهم آورد (۱). بنابراین از آنجا که خانواده مهم ترین نهاد جامعه و منشأ جامعه سالم است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن از امور مهم و شایسته تحقیق است. یکی از مسائل اجتماعی که در زمان معاصر اهمیت فزاینده ای یافته و ابعاد پیچیده ای پیدا کرده، مسأله طلاق و به تبع آن فروپاشی زندگی خانوادگی است (۲). طلاق مسئله ای اجتماعی به شمار می رود. برطبق آمارهای جهانی میزان طلاق در بسیاری از جوامع افزایش یافته است و روندی رو به رشدی دارد. در ایران نیز هر ساله بر میزان آن افزوده شده است (۳). به گونه ای که میزان ازدواج و طلاق ثبت شده در مرکز آمار ایران بیانگر این نکته است که در سال های اخیر رشد طلاق همواره از میزان رشد ازدواج پیشی گرفته است. به همین علت، این پدیده اجتماعی در جامعه ما به عنوان یک چالش یا معضل جدی اجتماعی مطرح شده است. براساس آمار سازمان ثبت احوال ایران تعداد ازدواج های ثبت شده در سال ۱۳۹۸ به تعداد ۵۳۰۲۲۵ مورد بوده که نسبت به سال ۱۳۹۷ با تعداد ۵۵۲۸۹۴ مورد کاهش چشمگیری داشته است. تعداد طلاق نیز به حدود ۱۷۴۸۳۱ مورد رسیده که نسبت به سال گذشته با تعداد ۱۷۶۹۲۲ مورد کاهش محسوسی داشته است. با این وجود با مقایسه آمارها از آغاز دهه ۱۳۷۰، نرخ طلاق روندی صعودی داشته است (۴).

فعالیت جنسی به عنوان یکی از ابعاد مهم زندگی افراد در آمده است که می تواند متأثر از ویژگی های خود فرد، روابط بین فردی، شرایط خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی، محیط، سوابق فعالیت های جنسی وی و همسر، سلامت جسمی و روانی و وضعیت هورمونی فرد قرار گیرد (۵). در حقیقت، یکی از مهم ترین عوامل خوشبختی در زندگی زناشویی و کیفیت زندگی خوب، روابط لذت بخش جنسی است، زیرا رضایت بخش نبودن روابط جنسی سبب ایجاد احساس محرومیت، ناکامی و عدم ایمنی در همسران می شود (۶). این محرومیت جنسی می تواند در نهایت موجب طلاق و از هم گسستگی زندگی زناشویی گردد (۷). نتایج مطالعه بررسی های صورت گرفته توسط Mohlatole نشان دهنده آن بود که در کنار دلایل عدیده ای که منجر به طلاق زوجین می گردند، عمده ترین علل گرایش زوجین به طلاق شامل عملکرد جنسی نامناسب بوده است (۸). در همین زمینه نتایج به دست آمده از تحقیق بابائی نشان می دهد، هر چه عملکرد جنسیتی زنان کاهش یابد، میزان تعارضات زناشویی ایشان به طور معنی داری افزایش می یابد (۹).

طبق تعریف Eidelson and Epstein (۸) در ۱۹۸۲ و همچنین طبق تحقیقات پورغلامی و همکاران (۱۰) منظور از باورهای ارتباطی، دیدگاهی است که زوجین نسبت به رابطه زناشویی خود دارند و آن را به عنوان حقیقت پذیرفته اند. Eidelson and Epstein با توسعه ارزیابی باورهای غیر منطقی، پنج باور ارتباطی غیر منطقی شامل باور تخریب کنندگی مخالفت، توقع ذهن خوانی، باور به عدم تغییر پذیری همسر، کمال گرایی جنسی، باور به تفاوت های جنسیتی را که در روابط زناشویی سهیم بوده و پیش بینی کننده های نیرومندی برای آشفتگی زندگی زناشویی هستند را مشخص کردند (۱۱). در نتیجه وجود باورهای غیرمنطقی در یکی از زوجین یا هر دوی آنها موجب گرایش به جدایی و طلاق بین آنها می گردد. نتایج

مطالعه Mohlatlole و همکاران نیز نشان دهنده آن بود که عدم ارتباط و یا ارتباط نادرست به طور مستقیم و معنی داری با میزان گرایش به طلاق زوجین جوان مورد مطالعه رابطه داشته اند (۱۲).

بسیاری از روان شناسان و خانواده درمانگران ویژگی شخصیتی زوجین و چگونگی تجارب کودکی و کیفیت روابط بین اعضای اصلی را مهم ترین عامل در موفقیت یا عدم موفقیت هر ازدواجی می دانند. بانفوذترین این دیدگاه ها، نظریه تمایز یافتگی Bowen است که رشیدی و همکاران در تحقیق خود از آن یاد کرده اند (۱۳). نظریه تمایز یافتگی بر روی روابط اولیه در محیط خانواده تاکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می داند. خودمتمایز سازی از نظر Bowen به توانایی اشخاص برای تمایز خود از خانواده اصلی شان در سطح عاطفی و عقلی اطلاق می شود (۱۳). خودمتمایز سازی به میزان و درجه ای که فرد قادر است بین الف) عملکرد عقلایی و هیجانی ب) شخصیت و استقلال در روابط تعادل برقرار کند، اشاره دارد (۱۴). در این راستا در خصوص تمایز یافتگی که یک ویژگی شخصیتی است اظهار داشته اند که معمولاً در سطوح مختلف درون روانی و برون روانی خود را بروز می دهد (۱۵). از نظر او تمایز یافتگی در سطح درون روانی به عنوان فرآیندی است که در درون فرد رخ می دهد و شامل مؤلفه های جایگاه من و واکنش پذیری عاطفی است، و تمایز یافتگی در سطح برون روانی نیز به عنوان فرآیندی است که در روابط بین افراد به وقوع می پیوندد و شامل مولفه های هم آمیختگی با دیگران و گسلس عاطفی است. توانایی تمایز یافتگی در زندگی مشترک توسط زوجین می تواند موجب گرمی زندگی و تفاهم بین زوجین گردد. اما عدم توانایی تمایز یافتگی موجب بروز مشکلات فردی و خانوادگی بین زوجین شده و گرایش به طلاق را در بین آنها افزایش می دهد. نتایج تحقیق لطیفیان و فخاری نیز حاکی از آن بود که تمایز یافتگی در رابطه با الگوهای ارتباطی خانواده و سلامت روان، نقش واسطه ای را کامل ایفا می کند (۱۶). همچنین Timm and Keiley دریافتند، تمایزات فردی با روابط جنسی رابطه معنی داری داشته است و در نهایت با میزان رضایت جنسی و زناشویی رابطه مثبت و معنی داری نشان داده است (۱۷).

عوامل متعددی روابط زناشویی بین زوجین را در گذر زمان تهدید می کند. یکی از این عوامل، تأثیر توقعات و انتظارات می باشد، توقعاتی که به دنبال عشق رؤیایی به وجود می آید، همیشه جزئی از اعتقادات شخصی است. این توقعات ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه، آشکار یا پنهان، فردی یا دوطرفه باشد (۱۸). هنگامی که توقعات عاشقانه محقق نشود، احساس ناکامی و سرخوردگی به طور مستقیم به همسر نسبت داده می شود و سبب تحلیل رفتن عشق و تعهد می گردد و دلزدگی و سرخوردگی زناشویی جای عشق را می گیرد (۱۹). این سرخوردگی زناشویی در نوع شدید، منجر به فروپاشی رابطه می شود (۲۰). سرخوردگی زناشویی یکی دیگر از عوامل مهم در گرایش به طلاق زوجین، بالاخص زنان می باشد. چرا که زنان با هزار امید و آرزو قدم در تشکیل زندگی مشترک می گذارند و در رویای خود زندگی زناشویی ایده الی را در سر می پروراند. آنها هنگامی که دچار سرخوردگی زناشویی شوند، آرزوهای خود را برباد رفته دانسته و به طلاق گرایش پیدا می کنند. نتایج به دست آمده بهمنی و همکاران نشان دهنده آن بود که سرخوردگی زناشویی تحت تأثیر عوامل زمینه ای مداخله گر، روانشناختی و تمایزات شخصیتی قرار دارد. بنابراین توجه به عوامل مختلف سرخوردگی زناشویی در مشاوره و درمان زوجین دارای این اختلال ضروری است (۲۱). در نتیجه سرخوردگی زناشویی یکی از مهم ترین عوامل اثرگذار در گرایش به طلاق زنان می باشد که خود ناشی از عوامل شخصیتی و روانشناختی زوجین می باشد. با توجه به اینکه در پژوهش های قبلی رابطه بین متغیرهای ذکر شده اکثراً به صورت منفرد و دو به دو بررسی شده است، بنابراین محققین پژوهش حاضر در قالب مدل، هم اثرات مستقیم و هم اثرات غیرمستقیم متغیرها را در گرایش به طلاق زنان مورد واکاوی قرار دادند تا بلکه در پرکردن خلاء موجود در خصوص متغیرهایی که می توانند در کاهش طلاق بطور مستقیم و غیرمستقیم مؤثر باشند، نقشی ایفا کرده و موجب افزایش رضایت زناشویی و کیفیت زندگی زوجین باشد. با توجه به بیان مشکلات موجود در زندگی زناشویی زوجین و بررسی عواملی از قبیل باورهای ارتباطی، تمایز یافتگی، سرخوردگی زناشویی و عملکرد جنسی در گرایش زنان به طلاق، هدف مقاله حاضر تعیین رابطه بین باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی با واسطه گری عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی با گرایش به طلاق زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران بود.

روش و مواد

روش پژوهش حاضر پیمایشی از نوع همبستگی و تحلیلی بود، جامعه آماری پژوهش کلیه زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر تهران سال ۱۳۹۸ بود که ابتدا به صورت تصادفی خوشه ای پنج مرکز مشاوره فعال در خصوص خانواده، در شمال- جنوب- شرق- غرب و مرکز شهر تهران انتخاب و در ادامه از زنان مراجعه کرده برای مشاوره طلاق به این مراکز مشاوره به علت عدم وجود آمار دقیق در خصوص تعداد مراجعین، به صورت در دسترس از هر کدام از این مراکز ۵۰ نفر و در مجموع ۲۵۰ نفر انتخاب شدند. پس از شناسایی پرسشنامه های مخدوش، در نهایت با ۲۴۰ پرسشنامه صحیح ادامه تحقیق انجام گرفت. زوجین به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند و جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه های استاندارد شده باورهای ارتباطی Eidelson and Epstein، تمایز یافتگی فردی (DSI)، عملکرد جنسی زنان Rosen et al (FSFI)، سرخوردگی زناشویی Niehuis and Barttle و گرایش به طلاق Roswellt و همکاران بود. برای رعایت ملاحظات اخلاقی، ابتدا درباره تحقیق و هدف و شیوه اجرای آن به مشارکت کنندگان توضیحات لازم ارائه شد. به آنها اطمینان داده شد که در صورت تمایل به کناره گیری در هر مرحله از مداخله، آزادی عمل دارند. همچنین با اخذ رضایت نامه کتبی آگاهانه از شرکت کنندگان به آنها از جهت محرمانه ماندن اطلاعات شخصی اطمینان خاطر داده شد.

معیارهای ورود به مطالعه، تمایل به شرکت در مطالعه، زنان متأهل در دامنه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال، داشتن تحصیلات حداقل دیپلم، نداشتن سابقه طلاق قبلی، دارای حداقل یک سال زندگی مشترک زیر یک سقف، نداشتن سابقه بیماری های جسمی و جنسی (پرسش به صورت خوداظهاری)، عدم سابقه اختلالات روانی و مصرف مواد روان گردان (پرسش به صورت خوداظهاری) و شاغل بودن زوج بود و معیارهای خروج از مطالعه، عدم تمایل به ادامه تحقیق، وقوع مشکلات جسمانی و بیماری در طول تحقیق، انصراف از گرایش به طلاق در طول تحقیق و تغییر محل زندگی و مهاجرت به نحوی که در دسترس نبودند. از بین زنان مراجعه کرده به مراکز مشاوره انتخابی، مراجعین خانمی که برای مشاوره طلاق در مراکز حضور یافته بودند، در صورت تمایل به شرکت در تحقیق، با توضیح در خصوص متغیرهای مورد مطالعه، به صورت خودگزارش دهی، پرسشنامه ها را تکمیل و به مسئول مرکز مشاوره تحویل دادند. جهت سنجش متغیرهای تحقیق از پرسشنامه های استاندارد باورهای غیرمنطقی ارتباطی، تمایز یافتگی خود (DSI)، سرخوردگی زناشویی (MDS)، عملکرد جنسی زنان و گرایش به طلاق استفاده شد.

پرسشنامه باورهای غیرمنطقی ارتباطی: پرسشنامه باورهای غیرمنطقی ارتباطی توسط Eidelson and Epstein (۱۰) در قالب ۴۰ گویه در مقیاس شش گزینه ای طیف لیکرت (کاملاً غلط = صفر، غلط = ۱، شاید غلط = ۲، شاید درست = ۳، درست = ۴، کاملاً درست = ۵) بوده و هدف آن ارزیابی میزان باورهای ارتباطی غیر منطقی در رابطه زناشویی در پنج بعد ۱- باور به مخرب بودن مخالفت ۲- توقع ذهن خوانی ۳- باور به عدم تغییر پذیری همسر ۴- کمال گرایی جنسی ۵- باور درمورد تفاوت های جنسیتی است. جمع گویه های ۴۰ گانه نمره کل باورهای غیرمنطقی ارتباطی را تشکیل می دهند. دامنه نمره بین صفر تا ۲۰۰ می باشد. نمره بین صفر تا ۶۶: بیانگر باورهای غیرمنطقی ارتباطی ضعیف در فرد است. نمره بین ۶۶ تا ۱۰۰: بیانگر باورهای غیرمنطقی ارتباطی متوسط در فرد است. نمره بالاتر از ۱۰۰: بیانگر باورهای غیرمنطقی ارتباطی قوی در فرد می باشد. Eidelson and Epstein (۱۰) دریافتند که نمره های این پرسشنامه با باورهای عمومی که توسط تست باورهای غیر منطقی Jones (۲۲) اندازه گیری شده بود همبستگی مثبت داشت. Eidelson and Epstein (۱۰) در تحقیق خود نشان دادند که پایایی این آزمون با آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس ها از دامنه ۷۲ تا ۸۱ درصد است و هر پنج خرده مقیاس رابطه معناداری با سازگاری زناشویی دارند و پایایی بازآزمایی ۷۶ درصد بود (۲۳). نسخه فارسی این ابزار را مظاهری و پور اعتماد ترجمه کرده اند. در پژوهشی که مظاهری استفاده کرده آلفای کرونباخ محاسبه شده ۰/۷۵ بود. مقدار پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ برای زنان ۰/۹۱ به دست آمد.

پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI): پرسشنامه تمایز یافتگی خود در قالب ۴۶ گویه در مقیاس شش گزینه ای طیف لیکرت (ابداً در مورد من صحیح نیست = ۱، صحیح نیست = ۲، تا حدی صحیح نیست = ۳، تا حدی صحیح است = ۴، صحیح است = ۵،

کاملاً در مورد من صحیح است=۶) بوده و هدف آن ارزیابی میزان تمایزیافتگی خود در رابطه زناشویی در چهار بعد: ۱- واکنش پذیری عاطفی ۲- جایگاه من ۳- گریز عاطفی ۴- هم آمیختگی با دیگران است. جمع گویه های ۴۶ گانه نمره کل تمایزیافتگی فرد را تشکیل می دهند. دامنه نمره در این پرسشنامه بین ۴۶ تا ۲۷۶ می باشد. نمره بین ۴۶ تا ۱۱۵: میزان تمایزیافتگی افراد پایین است. نمره بین ۱۱۵ تا ۱۶۱: میزان تمایزیافتگی افراد متوسط است. نمره بالاتر از ۱۶۱: میزان تمایزیافتگی افراد بالا است. به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه تمایزیافتگی خود از ۱۰ نفر از اساتید روانشناسی نظر خواهی شد که روایی محتوایی این ابزار را مورد تأیید قرار دادند. ضریب آلفای گزارش شده توسط Plech - Popko که در سال ۲۰۰۴ انجام گرفت، ۰/۸۶ است (۲۴). مقدار پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ برای زنان ۰/۹ به دست آمد.

مقیاس سرخوردگی زناشویی (MDS): مقیاس سرخوردگی زناشویی (MDS) توسط Niehuis and Bartell (۲۵) در مقیاس هفت گزینه ای طیف لیکرت (کاملاً مخالف=۱، تا حدودی مخالف=۲، مخالف=۳، نه موافق و نه مخالف=۴، موافق=۵، تا حدی موافق=۶، کاملاً موافق=۷) بوده و میزان استدلال آنها در ساخت این مقیاس آن بود که اولاً سرخوردگی زناشویی، یک پیشبین قوی برای طلاق است و ثانیاً مقیاسی برای سنجش وجود ندارد. جمع نمرات ۱۶ گانه نمره سرخوردگی زناشویی را نشان میدهد. دامنه نمره بین ۱۶ تا ۱۱۲ می باشد. هر چه نمره بالاتر باشد، نشان دهنده سرخوردگی زناشویی بالا و در واقع روابط با حالت منفی بین زوجین می باشد. نمره بین ۱۶-۴۲ نشان دهنده سطح سرخوردگی پایین، نمره بین ۴۲-۴۶ نشان دهنده سطح سرخوردگی متوسط و نمره بین ۴۶-۱۱۲ نشان دهنده سطح سرخوردگی بالا می باشد. در پژوهش Niehuis and Bartell (۲۵) مقیاس مورد نظر همسانی درونی بالایی نشان داد. مقدار پایایی این مقیاس توسط آنها با استفاده از آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۶ به دست آمد. در ایران سیدعلی تبار و همکاران (۲۶) پایایی پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آوردند. مقدار پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ برای زنان ۰/۹۷ به دست آمد.

پرسشنامه عملکرد جنسی زنان (FSFI) Rosen et al: شاخص عملکرد جنسی زنان با ۱۹ سوال، عملکرد جنسی زنان را در شش حوزه مستقل میل، تحریک روانی، رطوبت، ارگاسم، رضایتمندی و درد جنسی می سنجد. این پرسشنامه در مقیاس شش گزینه ای طیف لیکرت (فعالیت جنسی نداشتم= صفر، خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) بوده و میزان رضایت از عملکرد جنسی زنان را نشان میدهد. دامنه نمره بین صفر تا ۹۵ می باشد. نمره بالاتر نشان دهنده عملکرد جنسی بالاتر زنان می باشد. مطالعه Rosen et al، روایی همگرایی این مقیاس با مقیاس رضایت زناشویی را نشان داد. در مطالعه Rosen et al پایایی بازآزمایی کل مقیاس ۰/۸۸ و برای زیر مقیاس ها از ۰/۷۹ تا ۰/۸۶ گزارش شده است. محمدی و همکاران (۲۷) به بررسی روایی و پایایی این پرسشنامه در دو گروه زنان دارای اختلال عملکرد جنسی و گروه کنترل پرداختند. میزان پایایی مقیاس و خرده مقیاس ها از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد که برای کل افراد بالاتر از ۰/۷۰ محاسبه شد که نشانگر پایایی خوب این ابزار است. مقدار پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ برای زنان ۰/۹ به دست آمد.

پرسشنامه گرایش به طلاق Rosewellt et al: پرسشنامه استاندارد میل به طلاق Rosewellt et al (۲۸) در دو بعد ۱- تمایل برای خارج شدن (متماثل به طلاق) ۲- بعد تماثل به مسامحه می باشد. این پرسشنامه دارای ۱۴ گویه در مقیاس هفت گزینه ای طیف لیکرت (هرگز=۱، بندرت=۲، خیلی کم=۳، کم=۴، زیاد=۵، خیلی زیاد=۶، همیشه=۷) می باشد. دامنه نمره بین ۱۴-۹۸ می باشد. نمره بین ۱۴-۳۳ میزان گرایش در حد پایین به طلاق، نمره بین ۳۳-۶۶ میزان گرایش در حد متوسط به طلاق، نمره بین ۶۶-۹۸ میزان گرایش در حد بالا به طلاق را در بین زوجین نشان می دهد. در پژوهش قادرپور (۲۸) به منظور بررسی روایی (محتوایی) پرسش نامه مذکور از تنی چند از اساتید و صاحب نظران راجع به محتوای آن سؤال شد و با اعمال تغییرات پیشنهادی ایشان، تأیید نظر ایشان مبنی بر روا بودن ابزار اخذ شد. وی همچنین برای تعیین پایایی

پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده کرد که برای بعد خارج شدن (۰/۹۱) و برای بعد مسامحه (۰/۸۶) مقدار پایایی به دست آمد. مقدار پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ برای زنان برابر ۰/۹ به دست آمد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS-24 استفاده شد. به طوری که برای یافته های توصیفی از توزیع پراکندگی و برای آزمون فرضیه ها نیز ابتدا از ماتریس ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و واسطه ای با متغیر وابسته استفاده شد. در ادامه از آزمون های رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر جهت ارائه مدل علی گرایش به طلاق استفاده شد.

یافته ها

میانگین (انحراف معیار) سن شرکت کنندگان (۴/۷) (۳۰/۵) بود. شاخص های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای مورد مطالعه با گرایش به طلاق زنان در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱- شاخص های توصیفی و ضریب همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	(انحراف میانگین) میانگین	ضریب همبستگی پیرسون
باورهای غیرمنطقی ارتباطی	۱۵۰/۸ (۱۹/۷)	۰/۲۱
تمایز یافتگی فردی	۱۹۸/۵ (۳۵/۱)	-۰/۱۷
عملکرد جنسی	۷۱/۷ (۲۰/۱)	-۰/۲۳
سرخوردگی زناشویی	۵۷/۷ (۱۲/۲)	۰/۷۳
گرایش به طلاق	۵۱/۰ (۱۰/۶)	

* ضریب همبستگی در سطح $P < 0/05$ معنی دار است.

جدول شماره ۲- ضریب همبستگی چندگانه برای پیش بینی گرایش به طلاق زنان

شکل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص
۱	۰/۷۷	۰/۵۹	۰/۵۹

به منظور تبیین گرایش به طلاق زنان بر اساس باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با واسطه عملکرد جنسی و سرخوردگی از رگرسیون چندگانه به روش اینتر استفاده شد. طبق اطلاعات جدول شماره ۲ ملاحظه می شود در مجموع ضریب همبستگی چندگانه این عوامل، برابر $R = 0/77$ و ضریب تبیین برابر $R^2 = 0/59$ و ضریب تبیین خالص برابر $\bar{R}^2 = 0/59$ به دست آمده است ($P < 0/05$)، یعنی در مجموع باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی به همراه عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی به میزان ۵۹٪ گرایش به طلاق را تبیین می کنند و ۴۱٪ از واریانس گرایش به طلاق زنان توسط متغیرهای دیگری قابل تبیین می باشد.

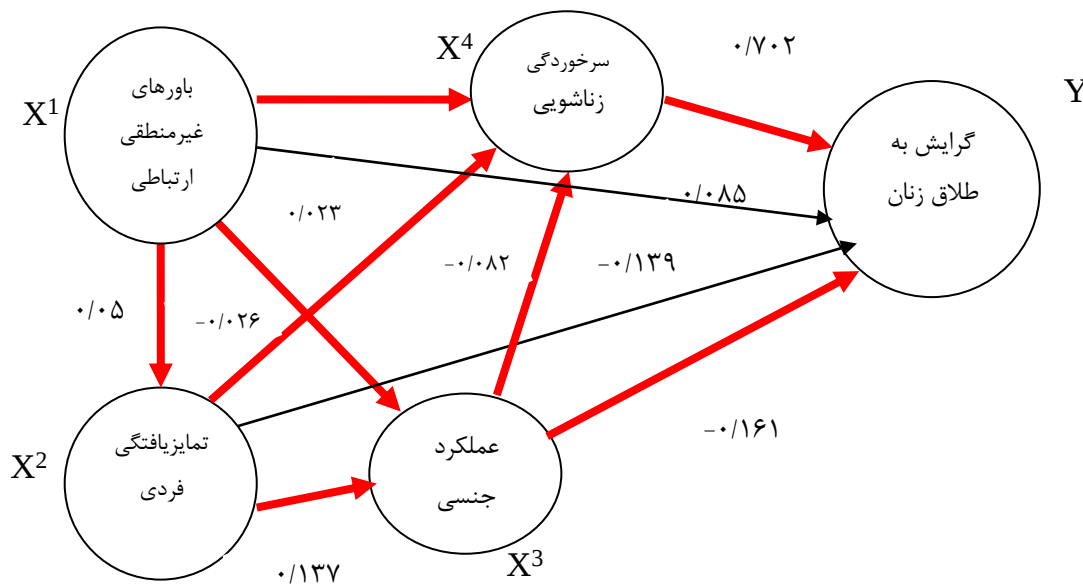
در ادامه و جهت ترسیم تحلیل مسیر و تعیین اثر ضرایب مستقیم و غیر مستقیم باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی بر گرایش به طلاق با نقش واسطه عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی زنان و همچنین ارائه مدل، ابتدا از رگرسیون چندگانه برای مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم به تفکیک برای هر چهار عامل مورد محاسبه و سنجش قرار گرفت که یافته های حاصل در جداول شماره ۴ و همچنین شکل شماره ۱ قابل مشاهده است. در مجموع باورهای غیرمنطقی ارتباطی به صورت مستقیم اثر ضعیف و به صورت غیر مستقیم از طریق متغیرهای واسطه ای بالاخص سرخوردگی زناشویی اثر بیشتری بر گرایش به طلاق را نشان داد. تمایز یافتگی نیز به صورت مستقیم اثری تا حدودی ضعیف، اما به صورت غیرمستقیم از طریق متغیرهای واسطه ای اثری کمتر در گرایش به طلاق را نشان داد. عملکرد جنسی نیز با واسطه سرخوردگی زناشویی اثر بیشتری در گرایش به طلاق زنان برجای گذاشت.

جدول شماره ۳- محاسبه اثرات مستقیم و غیر مستقیم باورهای غیرمنطقی ارتباطی (X1) و تمایز یافتگی فردی (X2) با واسطه عملکرد جنسی (X3) و سر خوردگی زناشویی (X4) بر گرایش به طلاق زنان (Y)

مسیر	نوع اثر
$X1 \rightarrow Y = ۰/۰۸۵$	اثر مستقیم X1
$X1 \rightarrow X2 \rightarrow Y = (۰/۰۵)(-۰/۱۳۹) = -۰/۰۰۶$	اثرات غیرمستقیم X1 از طریق X2
$X1 \rightarrow X2 \rightarrow X3 \rightarrow Y = (۰/۰۵)(۰/۱۳۷)(-۰/۱۶۱) = -۰/۰۰۱$	
$X1 \rightarrow X2 \rightarrow X3 \rightarrow X4 \rightarrow Y = (۰/۰۵)(۰/۱۳۷)(-۰/۰۸۲)(۰/۷۰۲) = -۰/۰۰۰۳$	
$-۰/۰۰۶ - ۰/۰۰۱ - ۰/۰۰۰۳ = -۰/۰۰۷$	مجموع اثرات غیر مستقیم X1 از طریق X2
$X1 \rightarrow X3 \rightarrow Y = (۰/۰۲۳)(-۰/۱۶۱) = -۰/۰۰۳$	اثرات غیرمستقیم X1 از طریق X3
$X1 \rightarrow X3 \rightarrow X4 \rightarrow Y = (۰/۰۲۳)(-۰/۰۸۲)(۰/۷۰۲) = -۰/۰۰۱۳$	
$-۰/۰۰۳ - ۰/۰۰۱۳ = -۰/۰۰۴$	
$X1 \rightarrow X4 \rightarrow Y = (۰/۲۰۵)(۰/۷۰۲) = ۰/۱۴۳$	اثر غیرمستقیم X1 از طریق X4
$-۰/۰۰۷ - ۰/۰۰۴ + ۰/۱۴۳ = ۰/۱۳۲$	مجموع اثرات غیر مستقیم X1
$۰/۰۸۵ + ۰/۱۳۲ = ۰/۲۱۷$	مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم X1
$X2 \rightarrow Y = -۰/۱۳۹$	اثر مستقیم X2
$X2 \rightarrow X3 \rightarrow Y = (۰/۱۳۷)(-۰/۱۶۱) = -۰/۰۲۲$	اثرات غیرمستقیم X2 از طریق X3
$X2 \rightarrow X3 \rightarrow X4 \rightarrow Y = (۰/۱۳۷)(-۰/۰۸۲)(۰/۷۰۲) = -۰/۰۰۰۷$	
$-۰/۰۲۲ - ۰/۰۰۷ - ۰/۰۱۸ = -۰/۰۴۷$	
$-۰/۱۳۹ - ۰/۰۴۷ = -۰/۱۸۶$	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم X2
$X2 \rightarrow X4 \rightarrow Y = (-۰/۲۰۶)(۰/۷۰۲) = -۰/۰۱۸$	اثر غیرمستقیم X2 از طریق X4
$-۰/۰۲۲ - ۰/۰۰۷ - ۰/۰۱۸ = -۰/۰۴۷$	مجموع اثرات غیرمستقیم X2
$-۰/۱۳۹ - ۰/۰۴۷ = -۰/۱۸۶$	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم X2
$X3 \rightarrow Y = -۰/۱۶۱$	اثر مستقیم X3
$X3 \rightarrow X4 \rightarrow Y = (-۰/۰۸۲)(۰/۷۰۲) = -۰/۰۵۷$	اثر غیرمستقیم X3
$-۰/۱۶۱ - ۰/۰۵۷ = -۰/۲۱۸$	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم X3
$X X4 \rightarrow Y = ۰/۷۰۲$	اثر مستقیم X4
$۰/۷۰۲$	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم X4

جدول شماره ۴- تأثیر متغیرهای مستقل باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی و واسطه ای عملکرد جنسی و سر خوردگی زناشویی بر متغیر گرایش به طلاق زنان از طریق تحلیل مسیر

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
باورهای غیرمنطقی ارتباطی	۰/۰۸۵	۰/۱۳۲	۰/۲۱۷
تمایز یافتگی فردی	-۰/۱۳۹	-۰/۰۴۷	-۰/۱۸۶
عملکرد جنسی	-۰/۱۶۱	-۰/۰۵۷	-۰/۲۱۸
سر خوردگی زناشویی	۰/۷۰۲	-	۰/۷۰۲



مدل شماره ۱: تبیین گرایش به طلاق زنان بر اساس باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با واسطه ی عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی

نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان در جدول شماره ۴ نشان می دهد، ضریب بتا با مقدار $0/217$ برای باورهای غیرمنطقی ارتباطی، $-0/186$ برای تمایز یافتگی فردی، $-0/218$ برای عملکرد جنسی و $0/702$ برای سرخوردگی زناشویی زنان می باشد و نشان دهنده تأثیر باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی با واسطه عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی در گرایش به طلاق زنان می باشد که سرخوردگی زناشویی بیشترین میزان اثر، عملکرد جنسی دومین میزان اثر، باورهای غیرمنطقی ارتباطی سومین میزان اثر و تمایز یافتگی فردی کمترین اثر را در گرایش به طلاق زنان داشته است.

بحث

مطالعه نشان داد بین باورهای غیرمنطقی ارتباطی با گرایش به طلاق زنان رابطه مستقیم و ضعیف معنی داری وجود دارد ($r = 0/21$) و با افزایش میانگین (انحراف معیار) نمره باورهای غیرمنطقی ارتباطی زنان ($19/7$) $150/8$ ، میزان گرایش به طلاق با میانگین (انحراف معیار) ($10/6$) 51 افزایش می یابد. این یافته با یافته مطالعه Eidelson and Epstein (10) و Mohlatlole و همکاران (12) همسو بود که دریافتند، عدم ارتباط و یا ارتباط نادرست به طور مستقیم و معنی داری با میزان گرایش به طلاق زوجین جوان مورد مطالعه رابطه داشته اند. با توجه به دیدگاه نویسندگان پژوهش حاضر چگونگی باورهای ارتباطی به صورت مستقیم می تواند در نگرش زوجین به یکدیگر در تمامی موارد رفتاری، عاطفی، شخصیتی و جنسیتی تأثیرگذار باشد، در نتیجه دارا بودن باورهای غیرمنطقی ارتباطی توسط زوجین می تواند مخرب بوده و بدون توجه به تفاوت های جسمانی و رفتاری از یکدیگر انتظارات بیش از حد داشته و موجب کمال گرایی در رفع نیازهای جنسی و سایر نیازهای عاطفی در رابطه با همسر خود گردند، در نتیجه این گونه باورهای غیرمنطقی در روابط با همسر بالاخص از سوی مردان موجب دلزدگی زنان شده و گرایش به جدایی و طلاق را در بین آنها افزایش می دهد. والدین شرکت کننده در دوره های آموزشی مبتنی بر باورهای ارتباطی جهت آگاه سازی و رضایت زناشویی والدین، دارای باورهای ارتباطی مناسب، سطح رضایت زناشویی بالاتر و در نتیجه آگاهی و اثربخشی بیشتری در مقایسه با والدین دیگر بودند. در نتیجه آموزش باورهای منطقی ارتباطی نظیر باور به مخرب بودن مخالفت با همسر، توقع ذهن خوانی، باور به عدم تغییر پذیری همسر و باور به وجود تفاوت های جنسیتی در کنار عدم کمال گرایی جنسی به زوجین قبل و هنگام ازدواج می تواند در کاهش گرایش به طلاق در سال های اول زندگی زوجین اثرگذار باشد (29).

یافته دیگر تحقیق نشان داد، بین تمایز یافتگی فردی با گرایش به طلاق زنان رابطه معکوس و خیلی ضعیف معنی داری وجود دارد ($r = -0.17$) و با کاهش میانگین (انحراف معیار) نمره تمایز یافتگی فردی زنان ($35/1$) میزان گرایش به طلاق آنها افزایش می یابد. این یافته با یافته مطالعه لطیفیان و فخاری همسو بود که دریافتند، تمایز یافتگی در رابطه با الگوهای ارتباطی خانواده و سلامت روان، نقش واسطه ای را کامل ایفا می کند (۱۶). همچنین با Timm and Keiley که دریافتند، تمایزات فردی با روابط جنسی رابطه معنی داری داشته است و در نهایت با میزان رضایت جنسی و زناشویی رابطه مثبت و معنی داری نشان داده است (۱۷)، نیز مطابقت داشت. با توجه به اینکه عدم تمایز یافتگی زنان موجب گرایش به طلاق زنان شد و همچنین با توجه به اینکه زوجی که تازه ازدواج می کنند، از دو خانواده با دو فرهنگ اجتماعی، فرهنگی و حتی شخصیتی جداگانه هستند، در نتیجه می بایست زندگی جدید متشکله را با زندگی خانه پدری اشان مقایسه نکنند و انتظار آنچه که در آنجا اتفاق می افتاد را نداشته باشند، طبق نظر Maser عدم تمایز یافتگی فردی شامل مولفه های جایگاه من به معنای داشتن حس روشنی از خود و استقلال در افکار و باورها است و واکنش پذیری عاطفی به غلبه احساس های فرد بر عقل و منطق اش و پاسخگویی بر پایه هیجان ها اشاره دارد. هم آمیختگی با دیگران اشاره به از دست دادن استقلال خود و انحلال و هم آمیختگی در طی روابط صمیمانه با دیگران، به خصوص افراد مهم زندگی دارد. گسلس عاطفی نیز بیانگر نوعی احساس تهدید و آسیب پذیری در روابط و بعضاً تمایل به اتخاذ رفتارهای دفاعی مانند فاصله گرفتن ناگهانی رابطه و انکار اهمیت رابطه با دیگران است. جهت گسترش تمایز یافتگی فردی لازم است زوجین بر پایه عقل و منطق و بدور از غلبه ی احساسات هیجانی و جلوگیری از آسیب پذیری در روابط با یکدیگر زندگی زناشویی خود را خوشایند نموده و از گرایش به طلاق کاسته شود (۱۵).

یافته دیگر تحقیق نیز نشان داد، بین عملکرد جنسی با گرایش به طلاق زنان رابطه معکوس و ضعیف معنی داری وجود دارد ($r = -0.23$) و با کاهش میانگین (انحراف معیار) نمره عملکرد جنسی زنان ($20/1$) میزان گرایش به طلاق آنها افزایش می یابد. این یافته با یافته مطالعه بابائی (۹) همسو بود. نتایج وی نشان داد، زنانی که از طرحواره های جنسی مثبت، عملکرد جنسی بالا و رضایت جنسی بالایی برخوردارند، تعارضات زناشویی پایینتری را تجربه می کنند. طبق دیدگاه نویسندگان پژوهش حاضر یکی از روش های کاهش گرایش به طلاق زنان عملکرد نامناسب جنسی زنان در گرایش به طلاق آنها بود. با توجه به اینکه رفتارهای جنسیتی در کنار روابط عاطفی و حتی قوی تر از آنها می توانند در تحکیم صمیمیت و روابط زوجین اثرگذار باشد، از سویی دیگر رفع نیازهای جنسی یکی از مهم ترین نیازهای افراد در زندگی می باشند، لذا عدم توان زوجین در رفع این نیاز در زندگی زناشویی حقیقتاً می تواند سردی و عدم علاقه را گسترش دهد و میل به جدایی را در بین آنها تقویت کند. بالاخص در جامعه ایرانی که محدودیت های روابط جنسی در جامعه می باشد، لذا عدم توانایی زوجین در برطرف نمودن این خواسته جسمانی و رفتاری می تواند گرایش به جدایی را در بین آنها افزایش دهد (۳۰).

یافته دیگر تحقیق نیز نشان داد، بین سرخوردگی زناشویی با گرایش به طلاق زنان رابطه مستقیم و قوی معنی داری وجود دارد ($r = 0.73$) و با افزایش میانگین (انحراف معیار) نمره سرخوردگی زناشویی ($12/2$) میزان گرایش به طلاق افزایش می یابد. این یافته با یافته مطالعه بهمنی و همکاران (۲۱) همسو می باشد که این محققان به این نتیجه دست یافتند، توجه به عوامل مختلف سرخوردگی زناشویی در مشاوره و درمان زوجین دارای این اختلال ضروری است. در نتیجه سرخوردگی زناشویی یکی از مهم ترین عوامل اثرگذار در گرایش به طلاق زنان می باشد که خود ناشی از عوامل شخصیتی و روانشناختی زوجین می باشد.

طبق نظر نویسندگان مقاله حاضر با توجه به اینکه سرخوردگی یکی از مهم ترین عوامل مستقیم تأثیرگذار در طلاق عاطفی و گرایش به طلاق زوجین می باشد، لذا در صورت بروز مصادیق سرخوردگی نظیر کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی همسر، احساس بیگانگی، بی علاقهگی و بی تفاوتی زوجین با یکدیگر، جایگزین کردن عواطف منفی به جای عواطف مثبت و احساس

نامیدی، عدم تطابق دیدگاه فرد هنگام ازدواج با زندگی واقعی زوجین بعد از ازدواج، احساس سردی همسر، احساس زندگی با اجبار و در نهایت بریدگی نسبت به همسر و ازدواج گرایش زوجین به طلاق افزایش می یابد (۳۱). مهم ترین یافته تحقیق حاصل از نتایج رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر نشان داد، باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایزیافتگی با نقش واسطه ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی به میزان ۵۹٪ گرایش به طلاق زنان مورد مطالعه را تبیین می کنند که سرخوردگی با شدت بسیار بیشتری نسبت به سایر متغیرها با بتای ۰/۷۰۲ بیشترین تأثیر را و عملکرد جنسی نیز با بتای ۰/۲۱۸ - دومین تأثیر را و باورهای غیرمنطقی ارتباطی نیز با بتای ۰/۲۱۷ سومین تأثیر و تمایزیافتگی فردی نیز با ۰/۱۸۶ - کمترین تأثیر را در گرایش به طلاق زنان مورد مطالعه نشان داد. بر اساس یافته های پژوهش حاضر باورهای غیرمنطقی ارتباطی به صورت مستقیم اثر ضعیف و به صورت غیر مستقیم از طریق متغیرهای واسطه ای بالاخص سرخوردگی اثر بیشتری بر گرایش به طلاق را نشان داد. تمایزیافتگی نیز به صورت مستقیم اثری تا حدودی ضعیف، اما به صورت غیرمستقیم از طریق متغیرهای واسطه ای اثری کمتر در گرایش به طلاق را نشان داد. عملکرد جنسی نیز با واسطه سرخوردگی زناشویی اثر بیشتری در گرایش به طلاق زنان برجای گذاشت. در نتیجه اگر عدم تمایزیافتگی فردی، باورهای غیرمنطقی ارتباطی و عملکرد جنسی نامناسب نیز در کنار احساس سرخوردگی زنان وجود داشته باشد، گسیختگی ازدواج و در نهایت طلاق زوجین رقم خواهد خورد. در نتیجه برای دستیابی به زندگی مستحکم در بین زوجین می بایست چگونگی روابط جنسی که از مباحث بسته و غیر قابل بررسی و آموزش در مدارس و دانشگاه های داخل کشور می باشد به دختران و پسران در دوران نوجوانی و جوانی در سطوح درسی مدارس و دانشگاه ها به صورت جدی آموزش داده شود (۳۲).

محدودیت ها

یکی از محدودیت های تحقیق، محدود بودن انجام تحقیق به شهروندان تهران بود، بنابراین از تعمیم نتایج به سایر شهرها باید احتیاط نمود. همچنین برخی از مراجعین در طول تحقیق به علت مسائل شخصی و خانوادگی، از ادامه همکاری صرف نظر کردند، بنابراین به سختی تکمیل پرسشنامه های مرحله اول جمع آوری شد و برخی از پرسشنامه ها به علت مخدوش بودن کنار گذاشته شد. محدودیت دیگری که در این تحقیق مشاهده شد، محدود بودن انجام تحقیق به پاسخ زوجه ی مراجعه کننده به مراکز مشاوره بود، در نتیجه نظرات همسر وی در این تحقیق مورد مطالعه قرار نگرفت. با انجام پژوهشی مشابه، می توان نظر همسران پاسخگویان حاضر را مورد مطالعه قرار داد.

پیشنهادهای

با توجه به اینکه باورهای غیرمنطقی ارتباطی در گرایش به طلاق آزمودنی ها تأثیر داشت، پیشنهاد می شود: به زوجین آموزش داده شود که لازم است نگرش آنها به یکدیگر در تمامی موارد رفتاری، عاطفی، شخصیتی و جنسیتی با توجه به تفاوت های جسمانی و رفتاری در سطح متعادل بوده و از هرگونه کمال گرایی در خصوص رفتارهای همسرشان دوری جویند. با توجه به اینکه عدم تمایزیافتگی فردی در گرایش به طلاق آزمودنی ها تأثیر داشت، پیشنهاد می شود در برنامه های آموزشی این موضوع گنجانده شود که همسران باید به چگونگی رفتارهای متمایز همسر که ریشه در شخصیت و فرهنگ متفاوت خانوادگی دارد شناخت پیدا کرده و انتظار همراهی و همسویی مستمر با دیدگاه ها و نگرش خویش از جانب همسرش را نداشته باشد. با توجه به اینکه عملکرد نامناسب جنسی در گرایش به طلاق آزمودنی ها تأثیر داشت، پیشنهاد می شود روش های برقراری روابط جنسی به صورت صحیح به همسران آموزش داده شود و انتظارات جنسی از طرف مقابل برای آنها توجیه گردد. همچنین با توجه به اینکه بیشتر متقاضیان طلاق به علت وجود حجب و حیا از بیان مشکلات جنسی خود به عنوان یکی از دلایل طلاق شرم دارند، لذا ضرورت دارد مسئولین امر نسبت به این موضوع توجه بیشتری داشته باشند و روش هایی نظیر سی دی های آموزشی و کتابهای راهنما برای دستیابی به رفع مسائل و مشکلات زناشویی برای آنها تعبیه نمایند تا بتوانند تا حدودی مشکل خود را درمان کنند. با توجه به اینکه سرخوردگی زناشویی مهمترین عامل در گرایش به طلاق زنان بود، لذا پیشنهاد می شود زوجین با شرکت در کارگاه های آموزشی غنی سازی روابط زوجین، شناخت هر چه بیشتر خود و نیز دلسوزی و شفقت به خود اثر سرخوردگی زناشویی و سردی رابطه زناشویی را بر گرایش به طلاق تا

حد زیادی کاهش دهند. همچنین به زوجین آموزش داده شود با ایجاد تنوع در زندگی زناشویی و احترام متقابل به یکدیگر موجبات ایجاد احترام و شخصیت بخشی به یکدیگر را تقویت نمایند و از سرخوردگی زناشویی خود و همسرشان پیشگیری نمایند.

نتیجه‌گیری

مطالعه نشان داد که با افزایش باورهای غیرمنطقی ارتباطی و با کاهش تمایزیافتگی فردی میزان گرایش به طلاق زنان افزایش یافت. علاوه بر این با کاهش عملکرد جنسی و افزایش سرخوردگی زناشویی میزان گرایش به طلاق افزایش یافت. همچنین عملکرد نامناسب جنسی و سرخوردگی زناشویی در کنار باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایزیافتگی پایین، در تشدید گرایش به طلاق زنان مورد مطالعه اثرگذار بودند.

تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول در سال ۱۳۹۸ می باشد و دارای کد اخلاق IR.MUK.REC5041.1397 از دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنجندج است.

تعارض در منافع

نویسندگان اظهار می دارند هیچ گونه تعارض منافی در مورد این مقاله وجود ندارد.

REFERENCES

1. Harkonen J. Divorce: Trends, patterns, causes, consequences. in book: The Wiley-Blackwell Companion to the Sociology of Families. Publisher: Wiley-Blackwell Editors: Judith Treas, Jacqueline Scott, Martin Richards 2014;303-322.
2. Sehhatie F, Malakout J, Mirghafourvand M and Solmaz Khalilpoor. Sexual Function and its Relationship to General Health in Postpartum Women, J of Women's Health, Issues & Care, 2016; 5-1.
3. Luminița Sandu M, Salceanu C. Psychosocial factors that influence marital couple duration. J Technium Social Sciences, 2020; 5, 151-160.
4. Aghajanian A, Vaezzade S, Afshar Kohan J, Thompson V. Recent Trends of Marriage in Iran. J The Open Family Studies, 2018; 1-8.
5. Weinberger JM, Houman J, Caron AT, Anger J. Female Sexual Dysfunction: A Systematic Review of Outcomes Across Various Treatment Modalities. J Sexual Medicine Reviews, 2019;7:223-250.
6. Maasoumi R, Elsous A, Hawawu H, Taghizadeh Z, Baloushah S. Female sexual dysfunction among married women in the Gaza Strip: an internet-based survey. J Annals of Saudi medicine, 2019 oct; 39(5):319-327.
7. Rahman Shenash SH, Mazaheri Dasht Arjandi, M, Ghaffarian Hatami, P, Khajeh F. Investigating the relationship between sexual satisfaction and divorce among couples in Bandar Abbas, National Conference on the Role of Women in Sustainable Development, 2015 Dec.
8. Evans Mohlatlole N, Sithole S, Shirindi L, Factors contributing to divorce among young couples in Lebowakgomo, J Social Work, 2018: 256-274.
9. Babaei A, Predicting female marital conflicts who are involved in domestic violence based on sexual schemas, function and satisfaction, J Psychiatric Nursing (IJP), 2018. 6 (5) : 16-23
10. Pour Gholamali Z, Rahmati A, Mousavi Nasa H. Examination of a Causal Model of Relationship Beliefs and Sexual Satisfaction with the Mediating Role of Marital Conflicts J. IJBS, 2017;10. 151-155:
11. Dehghani Tarzjani A. Investigation illogical communication beliefs and marital boredom: the mediating role of mindfulness 2016 Aug, Tehran University: Tehran Registration Number: 78181; Library of the Faculty of Psychology and Educational Sciences Registration Number: AS-2541; Central Library - Information Hall Registration Number: 78181; Library of the Faculty of Psychology and Educational Sciences Registration Number: AS-2541.
12. Mohlatlole NE, S.S., & Hirindi ML, Factors contributing to divorce among young couples in Lebowakgomo. Social work/Maatskaplike Werk, 2017. 54. 2 : 256-274.
13. Rashidi A, Sharifi K, Naghshineh T. The relationship between Family Communication Patterns and self-differentiation with quality of life of Women divorce applicant in Kermanshah, J Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2016.1; 66- 78.

14. Rezaeian H, Massumy S, Hosseinian S. The study and comparison self-differentiation, communication patterns, and sexual satisfaction in divorce-applicant and normal couples, *J Applied Counseling*, 2017; 2; 17-32.
15. Roshannejhad N, Bayanfar F, Talepasand S. Predicting Marital Adjustment among Young Couples based on Personality Traits, Differentiation of Self and Psychological Hardiness *J of Clinical Psychology*, 2019; 1; 93-106
16. Latifian M, F.N., The mediating role of self-differentiation in relation to family communicational patterns and mental health, *J of cultural- training of women and family*, 2014. 26: 65-83.
17. Jazini S, Abdollahi N, Amanuelahi A, Aslani KH. Predicting the Sexual Function based on Attachment Styles, Self-Differentiation and Aducaion among Married Female Students in Ahwaz , *J, Psychological of studies* 2018: 49:43-58.
18. Pirfalak M, S.M., & Shafiabadi A, The efficacy of group cognitive-behavioral couple's therapy (GCBCT) on the decrease of couple burnout, *J Family Counsel and Psychotherapy*, 2014. 4; 247-269
19. Ahrari A, Miri M. R, Ramezani A. A, Dastjerdi R, Hamidi V. Tabas Investigation of the couple burnout and its related factors among couples referring to comprehensive health services centers in marginalized rural areas of Birjand during 2016, *J Health Sci Technol* 2018. 2.1; 42-48.
20. Karimi P, K.J., & Dehghan F. The relationship between attachment styles and conflict resolution styles with marital burnout of married employees. *Journal of Women and Society*, 2014 . 5 (4): 53-70.
21. Bahmani N, etemadi O, Ahmadi S.A, & FatehiZadeh M. Investigation the effective factors of marital frustraion among Iranian couples: a qualitative study. *Behavioral science researches*, 2017. 15(4): 467-473
22. Salehpour P, Ahqr Gh, Navabi Nejad Sh. The effectiveness of emotion-oriented couple therapy on reducing irrational beliefs and emotional divorce of married women referring to counseling centers in Tehran Region 4 in 2017, *J university of Medical sciences*, 2019. 62 ; 57-70.
23. Azadi fard S, Amani R. The relationship between communication beliefs and conflict resolution styles with marital satisfaction, *psychology Clinical And personality*, 2017. 14.2; 39-47.
24. Sanaei B, e.a., *Family and marriage test scales*. 2008: Be'sat publications.
25. Niehuis S, B.D., The marital disillusionment scale: Development and psychometrix properties. *North Am J Psychol*, 2006. 8(1): 69-83.
26. Sayed Alitabar SH, M.Z., Habibi F, Sarvestani & JavanBakht A, Investigating reliability, validity and factor structure of attitudes toward Marital frustration. *J Res Health of Shahid Beheshti University*, 2016. 6(108): 342-349
27. Mohamadi Kh, H.M., & Faqihzadeh S, The Female Sexual Function Index (FSFI): validation of the Iranian version. *Payesh Journal*, 2008. 7(2): 269-278
28. Ghaderpour MA, Investigation group counseling effectiveness based on Steer communicational approach on marital boredom and divorce tendency of women who refer to counselng center, in *Human and social science faculty*. 2014, Kordestan University: Kordestan. p.
29. Pourmohammad Rezayatjrishi M, PahlavanNeshan S, Najafifard T. The relationship between irrational beliefs and compatibility Marriage of couples in Isfahan, *J*, 2014, 53; 179-193.
30. Scott Sh, K. Rhoades G, M. Stanley S, S. Allen E, and J. Markman H. Reasons for Divorce and Recollections of Premarital Intervention: Implications for Improving Relationship Education, *J Medicine National Institutes of Health*, 2013; 2(2): 131-145.
31. Hosseini Ghidari A, Goodarzi M , Ahmadian H, YarAhmadi Y. Presenting a causal model of divorce in married men referred to counseling centers based on irrelevant communication beliefs and individual differentiation with the mediating role of sexual function and marital frustration, *J, JPS*, 2020, 87; 361-374.
32. Honarpouran N, Moin L, Masoumi R. Comparison of irrational beliefs and values in women seeking divorce and normal, *The Second National Conference on Psychology - Family Psychology*, 2011, NCPSY02_158; 1-4.